

«به درد» یا «برای درد»؟ (طنز)

Posted on ۱۴۰۱/۰۷/۱۹



راضیه حسینی

همیشه فکر می‌کردیم پلیس امکانات ندارد و دستش بسته است که نمی‌تواند بعضی سارقان را پیدا کند. مثلاً وقتی فیلم دوربین مداربسته را با وضوح فول اچ دی، طوری که موهای دماغ سارق هم مشخص شود، در اختیارشان می‌گذاری و می‌گویند «نمی‌شود گیرش انداخت»، آنهم به‌خاطر نبود امکانات و پرسنل.

فکر می‌کردیم پلیس کاری از دستش بر نمی‌آید که گاهی جواب‌های عجیب و غریب تحویل‌مان می‌دهد.

مثلاً با استرس فراوان سارقی را از محل سرقت تا چند خیابان آن‌طرف‌تر تعقیب کرده‌ای. به پلیس ۱۱۰ زنگ می‌زنی:

_بله بفرمایید

قربان می‌خواستم گزارش یه سرقت رو بدم. تا چندتا خیابون بالاتر هم تعقیبش کردم... ولی می‌ترسم فرار کنه.

_خب شما اشتباه کردید. باید دقیقاً تو همون محل سرقت زنگ می‌زدید.

جناب، در می‌رفت.

_بله دیگه. سارق در می‌ره.

ولی اشتباه فکر می‌کردیم. گویا پلیس اگر بخواهد می‌تواند در یک چشم بر هم زدن مادر هاچ زنبور عسل را هم پیدا کند. مشکل صرف فعل خواستن بود که تا به حال انجام نشده بود. اما بالاخره شد.

از این به بعد انتظار داریم اگر پشه خون‌مان را زیادی مکید با دوربین‌های ریزپردازنده شناسایی‌اش کنید. آن‌قدر از این دوربین‌ها در سطح شهر زیاد شود که دیگر هیچ خفت‌گیری نتواند در روز روشن قمه بگذارد زیر گلوی آدم‌ها و هرچه دارند یک‌جا ببرد.

آن‌قدر دوربین داشته باشید که اگر صندوق امانات بانک ملی را زدن، دو روز بعد خبردار نشوید.

این دوربین‌ها توانایی شناسایی اغتشاشگران را در تاریکی شب هم دارند؟ به احتمال زیاد خیلی توانمندند. یعنی کودکی که در دل تاریکی، تا کمر در سطل زباله کنار خیابان، فرو رفته را می‌توانند ببینند؟ یا فقط توانایی شمارش سطل‌های آتش گرفته را دارند؟ به بوی دود حساسند؟ اگر کارگری به‌خاطر بی‌پولی به خودش کبریت کشیده باشد، متوجه می‌شوند؟ یا فقط بوی دیگر انواع سوختن حساسند؟

اصلاً «به درد» می‌خورند، یا «برای درد» هستند؟